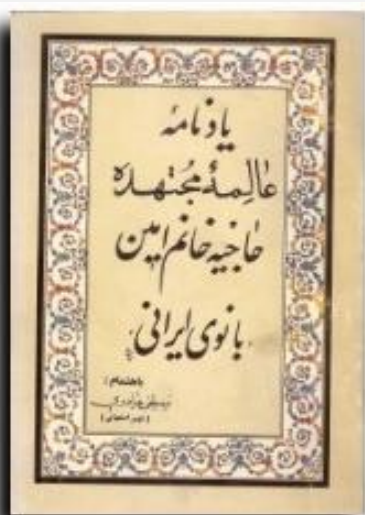


مصاحبه با اولین زن مجتهدی جهان



به گزارش "شیعه نیوز" به نقل از ایونا، این مصاحبه 12 سال قبل از فوت خانم امین زیر نظر حجت الاسلام دکتر جواد اژه ای در سال 1350 توسط چند تن از خواهران عضو «کانون علمی و تربیتی جهان اسلام - اصفهان» صورت پذیرفت و اولین بار در انتشارات «فرصت در غروب» به چاپ رسید.

میل داشتیم قبل از هر چیز در مورد زندگی تان، تحصیلاتان و به طور کلی گذشته ای که عقیده داریم سراپا افتخار است شرح کوتاهی بشنویم.

در 15 سالگی ازدواج کردم و مشغول خانه‌داری و بچه‌داری شدم. در ضمن به خواندن کتاب از همان کودکی عشق می‌ورزیدم ولی نه هر کتابی، بلکه کتابهایی که جنبه معنویت آنها زیاد بود. اوقاتی که در کودکی با بچه‌های همسن بودم، مثل آنها تفریح و گردش نمی‌کردم بلکه مشتاق بودم بیشتر تنها باشم تا بهتر بتوانم فکر کنم زیرا گمشده‌ای در وجود خود داشتیم. و اگر در مجالس عمومی هم می‌رفتم باز در حال تفکر بودم و در مقام اینکه پا از جاده شریعت بیرون نگذارم. در میان علوم به «خداشناسی» و علمی که مربوط به خداوند بود بیشتر علاقه داشتم و دائم در طلب حقیقی پویا بودم تا

سرانجام در صد برآمدن زبان «عربی» را بیاموزم، شاید از این راه گمشده خود را پیدا کنم و به خدا نزدیک شوم. در حدود یازده، دوازده سالی به تحصیل زبان عربی پرداختم، همواره لطف پروردگار بدرقه راهم بود و حین تحصیل هم گاهی حالات خوش و نورانی نصیب می‌شد؛ تا اینکه به نوشتن کتاب «اربعین» موفق شدم. علمای نجف که از نوشتن «اربعین» اطلاع حاصل نمودند کتباً سئوالاتی راجع به «فقه» نمودند و پس از آنکه جواب ایشان را دادم «درجه اجتهاد» به من عطا فرمودند. از آن به بعد مشغول تألیف کتاب بوده‌ام و به ترتیب کتابهای: «مخزن اللئالی»، «سیر و سلوک»، «معاد»،

«روش خوشبختی»، «اخلاق» و سرانجام به تألیف تفسیر «مخزن العرفان» پرداختم و هنوز هم مشغول هستم. در تمام این مراحل از تفضلات و الطاف الهی برخوردار بوده‌ام و گاه به گاه جرقه‌های نورانی نصیب می‌گردد و محظوظ می‌کند «و هذا من فضل ربی».

• آیا علم شما بیشتر از راه آموختن بوده است یا از طرق معنوی هم به شما عنایت می‌شود؟ در مورد علم و نور علمی، توضیحی برایمان بدهید.

آنچه در علوم و معنویات غیر از بحث الفاظ فهمیده ام بیشتر از همین راهها بوده و در نوشته‌هایم کمتر از امور خارجی کمک گرفته‌ام. نمی‌گویم از غیب خبر دارم و از حال و باطن کسی اما اغلب معنویات و معارف خود را از استاد فرا نگرفته‌ام، بلکه از این حالات آورده‌ام و غالب نوشته‌هایم با ارشاد خدا و کمک او بوده است. اما «علم» آنطور که حضرت رسول (ص) می‌فرمایند سه قسم است: 1. «آیه محکمه» که علما تعبیر نموده‌اند مقصود علم «خداشناسی» است، 2. «فرضه عادل» که مقصود علم «اخلاق» است و 3. «سنت قائمه» که مقصود علم «احکام» است و غرض از «نور علمی» همین نور معرفت به خدا و معرفت به اخلاق خوب و بد و معرفت به احکام است.

• این نور علمی چگونه به دست می‌آید؟

ابتدا باید تحصیل علم نمود، «تحصیل» مقدمه ایست برای به دست آوردن این نور «معرفت» و سپس در مقام به دست آوردن علم اخلاق و در مقام عمل برآمدن و تزکیه نفس و مبارزه با هواهای نفسانی و خواهش‌های دل و تمام صفات ناپسندی که در انسان وجود دارد از قبیل: حسد، کبر، طمع، محبت دنیا و دور ساختن اینها از خود و درصد برآمدن در کسب ایمانی با دلیل و برهان و استدلال و سپس در مقام عمل برآمدن واجبات را و ترک محرمات نمودن.

بهترین کتابی که خوانده‌اید چه کتابی بوده است؟

بهترین کتاب درسی که برای من خیلی مفید و قابل استفاده بوده «ملاصدرا» است در چهار جلد است و من تنها دو جلدش را مطالعه نموده‌ام و روحیه ام کاملاً با آن کتاب مناسب بوده است. کتاب حاوی یک سلسله معارف است و برای فهمیدن آن باید حتماً یک دوره حکمت خوانده باشید بعد از این کتاب بیشتر به کتب اخبار و احادیث و تفسیر علاقمندم مخصوصاً تفاسیری همچون «مجمع البیان».

آیا می‌توان گفت مردان بهتر از زنانند و برایشان یکنوع برتری و تفوق

به هیچ وجه نمی‌توان چنین حرفی زد که همه مردان به طور کلی از زنان برتر هستند ما زنانی چون فاطمه (س)، خدیجه، مریم و بسیاری از زنان دیگر را داریم که خیلی از مردها بهتر بوده‌اند. تفوقی که در بعضی مسائل خداوند برای مردان قائل شده یک مسئله کلی به کلی است نه فرد به فرد. نقیصی که در قرآن برای زنان ذکر شده یکی آیه ای است که در آن بیان شده زنان نمی‌توانند «فصل خصومات» کنند و اگر در طرف «حکم» واقع شوند از عهده مجاب کردن دیگری بر نمی‌آیند. نقص دیگر او این است که زن دارای یک حالت جلوه‌گری و خودنمایی است و کمتر به کمالات نفسانی می‌پردازد. و البته این غریزه ای است که خداوند در او قرار داده و حکمت «حجاب» هم مسلماً روی همین اصل است. ولی اینها مطالبی است کلی و البته بعضی زنها هستند که از این حالات مستثنی هستند و درباره همه افراد زن به طور کلی صدق نمی‌کند.

مثلاً ممکن است زنی پیدا شود که بتواند «فصل خصومات» کند یا «قضاوت» نماید.

.. آیا این حالت خودنمایی در زنان باید سرکوب شود؟

در مورد حلال و محرمشان خوب است ولی در مورد دیگران باید تا حد امکان با آن صفت مبارزه کنند، چون باقی بودن به این صفت باعث انحراف می شود زیرا نوعی از شهوت است. در اینکه خداوند این صفت را در زن قرار داده است، حکمتی است که مردان به آنها راغب شوند و ازدواج و در نتیجه تولید نسل زیاد شود و در ثانی زنان، تحت سرپرستی و مدیریت مردان قرار بگیرند.

• به نظر شما در عصر حاضر بهترین جهاد برای زنان چیست؟

در موقعیت امروز، آنچه برای زنان در درجه اول اهمیت قرار دارد این است که با نفس و دلخواهی های خود در مورد زر و زیور و طرز لباس پوشیدن خود و به مدل های گوناگون درآمدن مبارزه کنند. با اینکه این کار مشکل به نظر می رسد ولی در نتیجه به کمالات معنوی زودتر نائل می شوند. پس بهترین جهاد حفظ پوشش زنان است. خوشبختی به قدر «آرامش دل» نیست و سعادت حقیقی بر روی «فضیلت» بنا شده است. «آرامش روح» نصیب انسان خواهد گردید که در این دریای بی پایان زندگانی دنیا، به ریسمان محکم توحید دست آویزد.

سعادت واقعی در اثر «ایمان» و یکتاپرستی و تقوی پدید خواهد آمد و اگر شما خواهان سعادت دنیا و دنیای ابدی دیگر که به نام «آخرت» خوانده شده، هستید پیرو قرآن گردید و قدم به قدم به سوی حق پا گذارید آنوقت «خوشبختی» را احساس خواهید کرد.

در پایان تقاضا می کنیم اگر پیامی برای دختران جوان و اینکه شرط رستگاری آنان در چیست دارید بفرمایید.

سعادت شما به دو جنبه «جسمانی» و «روحانی» بستگی دارد، که باید مراقب هر دو باشید. راجع به جنبه روحانی قبلاً گفته شد که باید درصدد تکمیل صفات نیک و انسانی برآئید و از صفات بارز زن همان پاکدامنی و عفت است به طوری که علمای اخلاق گفته اند: عمده شرافت زن در «عفت» و مهم شرافت مرد در «شجاعت» است. زن تا حد امکان باید خود را مقابل چشم مردان ناپاک و پلید قرار ندهند، زیرا شرافت زن نزد تمام عقلا در جامعه در «عفت» او است. من مخالف تحصیل کردن خانم ها نیستم، تحصیل کنند و علم بیاموزند لکن با حفظ نفس و آبروی اسلام. پاره کردن حجاب در حقیقت پاره کردن اوراق قرآن است. چون قرآن به حجاب حکم می کند و خلاف آن را عمل کردن، حکم خدا و پیامبر را زیر پا گذاشتن است.

لازمه مسلمانی، معتقد بودن و عمل کردن به دستورات قرآن است و سعادت شما نیز در این کار است.

امر مهم دیگر در انسان مخصوصاً در زنها مبارزه با صفات، «مکر» و «حسد» است، که بیشتر در آنان وجود دارد و باید حتی الامکان سعی شود که این صفت مذموم را از خود دور کنند.

در پایان باید بگویم: ای بانوان و دوشیزگان عزیز بدانید که هیچ خوشبختی به قدر «آرامش دل» نیست و سعادت حقیقی بر روی «فضیلت» بنا شده است. «فضیلت» و «آرامش روح» زمانی نصیب انسان خواهد گردید که در این دریای بی پایان زندگانی دنیا، به ریسمان محکم توحید دست آویزد.

سعادت واقعی در اثر «ایمان» و یکتاپرستی و تقوی پدید خواهد آمد و اگر شما خواهان سعادت دنیا و دنیای ابدی دیگری که به نام «آخرت» خوانده شده، هستید پیرو قرآن گردید و قدم به قدم به سوی حق پا گذارید آنوقت «خوشبختی» را احساس خواهید کرد.